شاهد کودک

ماهنامه‌ی شاهد کودک

شماره ۱۹ مرداد ۱۳۸۶

بها ۲۵۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول: دکتر حسین دهقان
سردبیر: عباس خامه‌یار
جانشین سردبیر: محمد علی فقیه
❊ ❊ ❊
دبیر تحریریه: سپیده خلیلی
مدیر داخلی: گلدیس حکمی
ویراستار: ترانه امیر ابراهیمی
مدیرهنری: علیرضا ذاکری
گرافیک و صفحه‌آرایی: مهسا بزرگ‌امید
ناظر فنی چاپ: محمدرضا قادری
امور فنی: آتلیه شاهد
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۹۲۴۹
آدرس الکترونیکی: koodak@shahedmag.com
صندوق پستی: ۱۹۱-۱۵۷۱۵
❊ ❊ ❊
ناشر: انتشارات شاهد
تهران- خیابان ایت‌الله طالقانی
خیابان ملک‌الشعرای بهار شمالی
شماره۳ -تلفن: ۸۸۸۴۲۲۴۷
❊ ❊ ❊
چاپ: چاپخانه بلاغ
خیابان شریعتی- بالاتر از حسینیه ارشاد- کوچه بهشت آسا
توزیع: موسسه فرهنگی هنری شاهد:۸۸۸۲۹۵۲۳

خداروشکر گلابی ۳
گل فروش ۴
پسر شجاع ۶
رمز جدول را پیدا کن ۷
علمی ۸
۱۰
۱۱
۱۲
سرِ به سَرِ هوا ۱۴
۱۶
نون خشکی ۱۸
لطیفه ۱۹
۲۰
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
نقطه به نقطه
قدم به قدم
به دنبال راهنما
جدول
حضرت علی(ع) کیست؟
معرفی کتاب
فرم اشتراک شاهد کودک
روز پدر مبارک
داستان کودک
آثار بچّه‌ها

* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است
* مطالب رسیده باز گردانده نمی‌شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

احمد خدادوست
تصویرگر: غلامعلی مکتبی

خدا رنگِ گلابی

خدا سبز
خدا سرخ
خدا آبی آبی
خدا رنگِ گلابی

خدا آب
خدا خاک
خدا جنگل و دریا
خدا غنچه‌ی صحرا

خدا باد
خدا ابر
خدا نغمه‌ی باران
خدا روح بهاران

خدا گل
خدا نور
خدا روشنی ما
خدا در همه پیدا...

● مهری ماهوتی
● تصویرگر: حسن عامه‌کن

گل‌فروش

یکی بود یکی نبود.
یک لنگه دمپایی غمگین و تنها بود که با خودش فکر می‌کرد: «حالا که لنگه‌ام را گم کردم، به درد هیچ کس نمی‌خورم.» توی خیابان، به یک گل فروش رسید. دختر گل فروش با پای برهنه لابه‌لای ماشین‌ها می‌دوید. وقتی چراغ قرمز شد، دختر ایستاد. دمپایی پای او را قلقلک داد. دختر خندید. دمپایی را پوشید و گفت: «تو چه‌قدر قشنگی! شکل آن یکی هستی که لای شمشادها دیدم.» آن وقت با خوش‌حالی خودش را به شمشادهای کنار پیاده‌رو رساند، یک لنگه دمپایی ابری صورتی را از لای بوته‌ها بیرون کشید، آن را پوشید. دو تا لنگه دمپایی به هم رسیدند. خوش‌حال شدند و خندیدند. زیر دو تا پای کوچولو دنبال هم دویدند.

پسر شجاع

تصویرگر: سیامک ذوالفقاریان

این پسر شجاع می‌خواهد به صندوقچه برسد. راه را به او نشان بده!

رمز جدول را پیدا کن!

زهره خداجوی

تصویرگر: سیاوش ذوالفقاریان

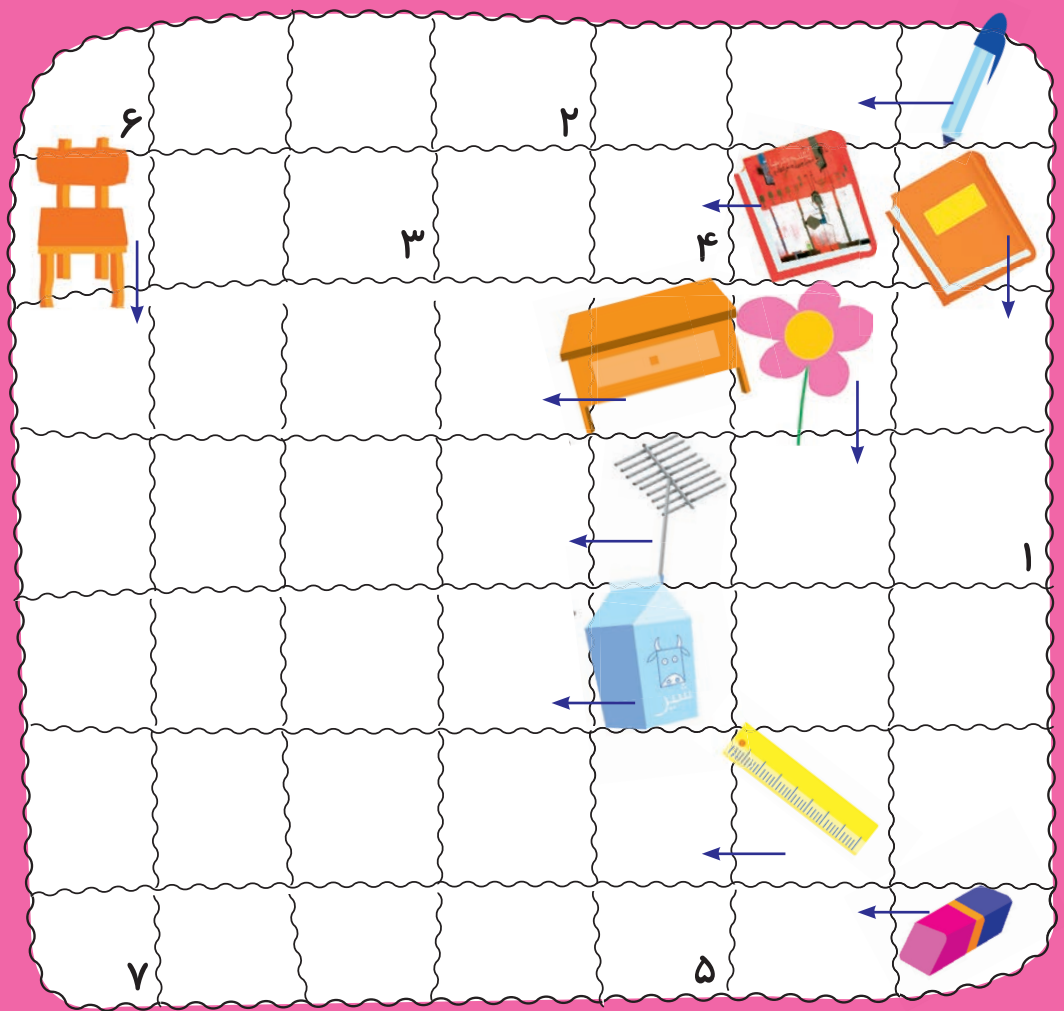

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

پس از آن که جدول را حل کردی، حروف خانه‌هایی را که در آن عدد نوشته شده، در خانه‌های زیر بنویس تا رمز جدول را پیدا کنی! اگر جدول را درست حل کرده باشی، رمز را پیدا خواهی کرد.

علمی

چه چیزی به گیاه آسیب می‌زند؟

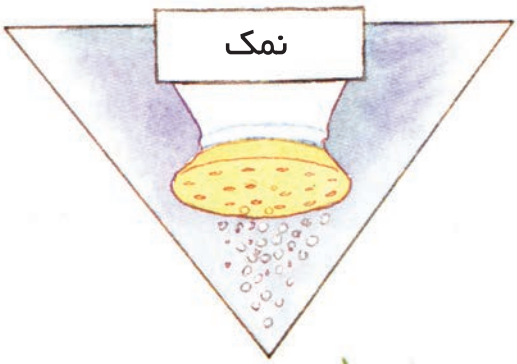

برای این که گیاهی جوانه بزند و رشد کند، به آب، خاک، هوا و نور احتیاج دارد. چون بدون نور، گیاه سبز نمی‌شود و بدون آب، تشنه می‌ماند. برای نفس کشیدن هم به هوا احتیاج دارد و بدون گرفتن مواد غذایی از خاک پژمرده می‌شود.

چه چیزی به گیاه آسیب می‌زند؟ اگر چند آزمایش انجام بدهی، خودت می‌فهمی. برای این کار به شیشه‌های کوچک، چند کاسه و تخم تره تیزک (شاهی) نیاز داری. توی کاسه‌ها چند برگ کاغذی بگذار. تخم‌ها را به طور یک‌نواخت، روی آن‌ها بپاش. دستمال‌ها را نم‌دار نگه‌دار تا قد جوانه‌ها حدود یک‌ونیم سانتی‌متر (دو بند انگشت) شود.

یکی از کاسه‌ها را باز هم با آب معمولی، آب بده. در آب

کاسه‌های دیگر، مواد گوناگونی بریز؛ مثل: مایع ظرف‌شویی، نمک، سرکه، شکر، دهان شویه و...
حالا ببین چه اتفّاقی می‌افتد؟ گیاه، مواد اضافی آب را چه طور تحمّل می‌کند؟
پس از سه روز، در همه‌ی آب کاسه‌ها آب معمولی بریز.
گیاهان کدام یک از کاسه‌ها از بین می‌روند؟ کدام یک دوباره بهتر می‌شوند؟

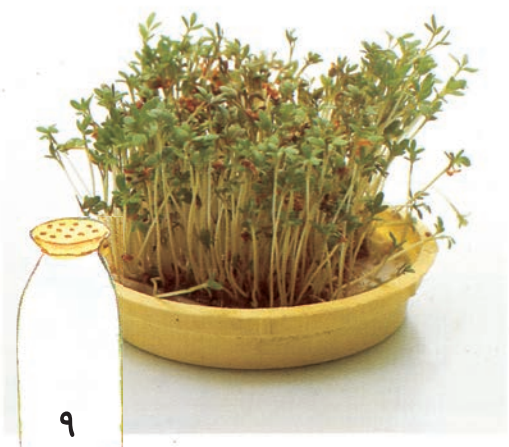

نقطه به نقطه

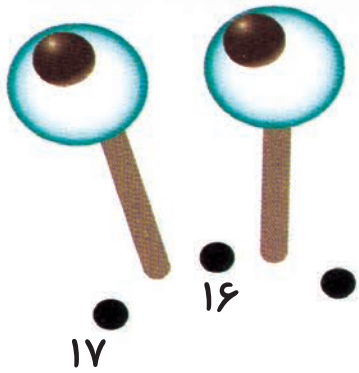

۱۲ ۱۳ ۱۵ ۱۶ ۱۷

۶ ۷ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۸ ۱۱ ۱۴

۹ ۱۰ ۱۸ ۱۹

۱۰ به ترتیب عددها را به هم وصل کن و بعد تصویرها را رنگ کن!

قدم به قدم

مریم حرمی

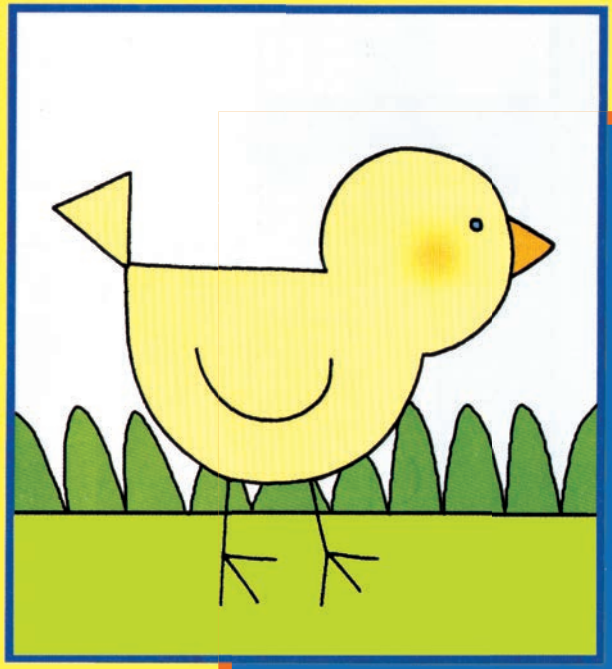

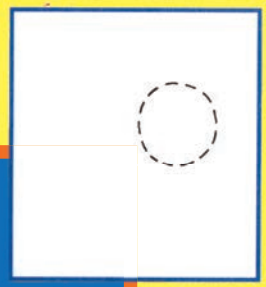

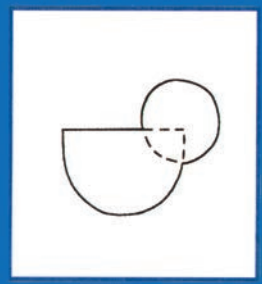

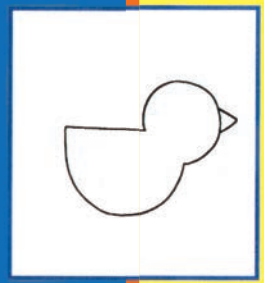

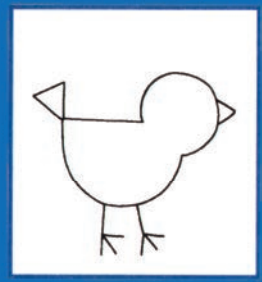

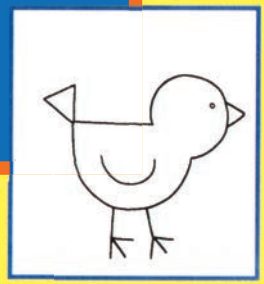

اگر می‌خواهی نقّاشی کردن را درست یاد بگیری تمرین‌های این صفحه را با دقت انجام بده!

قیصر سربازی
تصویرگر: ندا عظیمی

سَر به هَوا

کرم کوچولو قبل از این که پدر و مادرش از خواب بیدار شوند، بیدار شد، بی‌سر و صدا از درخت سیب بالا رفت. خیلی گرسنه بود. همان طور که بالا می‌رفت، روی یکی از شاخه‌ها، سیب سرخی را دید. تلفن همراهش را از جیب پیراهنش در آورد تا به پدرش خبر دهد که یک صبحانه‌ی خوش‌مزه پیدا کرده و همه‌ی خانواده را به خوردن آن دعوت کند.

اما پشیمان شد و با خودش فکر کرد، بهتر است اوّل توی سیب برود و از خوش‌مزه بودن آن مطمئن شود. به طرف سیب رفت و مقداری از پوستش را خورد که یک دفعه افتاد توی سیب، عجب خوش‌مزه و آبدار بود!

آن قدر خورد تا سیر شد و شکمش باد کرد. گوشی تلفن همراه را از جیبش در آورد تا به پدرش زنگ بزند تا آن‌ها هم بیایند امّا تلفن همراه آنتن نمی‌داد. هر چه سعی کرد، نشد.

تصمیم گرفت از سیب بیرون برود و آن‌ها را هم صدا کند. هر چه گشت، سوراخی را که از آن وارد سیب شده بود، پیدا نکرد. خیلی ناراحت شد. آن قدر گریه کرد تا خوابش بُرد...

ناگهان از خواب پرید، آخر حس کرد که از یک بلندی پرت شده است!

سیب از درخت پایین افتاده و دو تکّه شده بود. کرم کوچولو از این که نجات پیدا کرده بود خیلی خوش‌حال شد و به طرف خانه راه افتاد. تا نه تنها همه‌ی خانواده‌اش را، بلکه همه‌ی کرم‌های همسایه را به خوردن سیب دعوت کند.

نون خشکی

گاهی وقتا آقایی
توی کوچه‌مون می‌آد
اون فقط داد می‌زنه
نون خشک از ما می‌خواد

ما اونو نمی‌شناسیم
نمی‌دونیم اون کیه
اون ولی خودش می‌گه
نمکی، نون خشکیه

کیسه‌ی نون خشکارو
هر جا می‌ره می‌بره
اونا رو می‌فروشه تا
نون تازه بخره

من به اون فکر می‌کنم
گمونم سخته کارش
الهی باشه خدا
همیشه نگه دارش

● ناصر کشاورز
● تصویرگر: سحر حق‌گو

به دنبال راهنما

• تصویرگر: سیاوش ذوالفقاریان

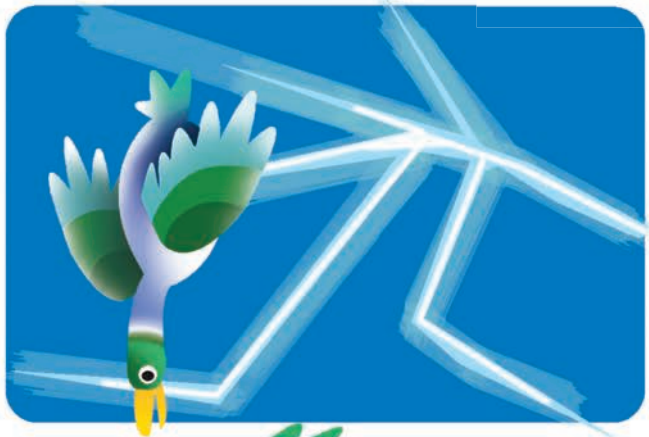

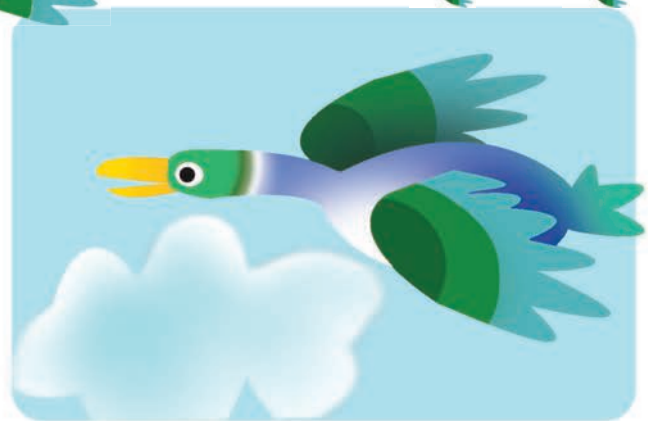

برای این تصویرها، یک داستان تعریف کن و از یک بزرگ‌تر خواهش کن آن را بنویسد و برای ما بفرستد! ما به داستان‌های خوب جایزه می‌دهیم.

جدول

تصویرگر: مهین کاظمی

برندگان جدول شماره‌ی ۱۶

۱ـ مهرگان گران اوریمی ـ بابل

۲ـ امیر ارشیا همّت ـ شهرضا

۳ـ سپیده علیزاده ـ بندرانزلی

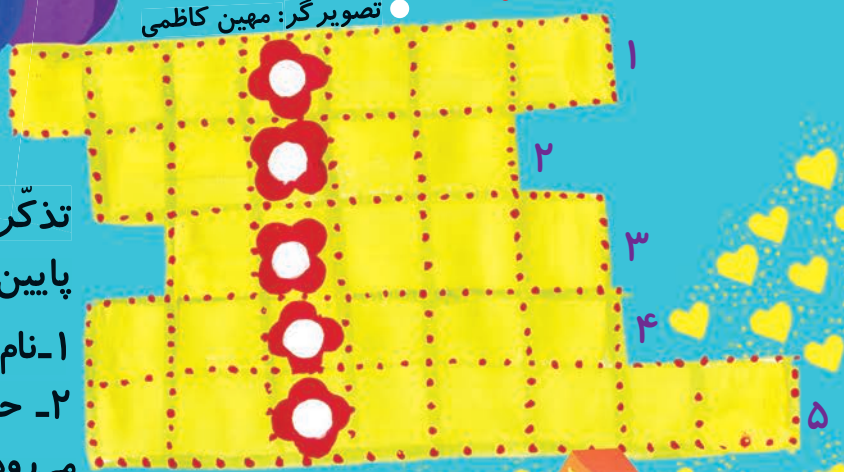

تذکّر: پس از حل جدول، ستون رنگی را از بالا به پایین بخوانید تا رمز جدول را پیدا کنید.

۱ـ نام پسر حضرت ابراهیم(ع) است.

۲ـ حشره‌ای خانه به دوش که بسیار آهسته راه می‌رود.

۳ـ میوه ای خوش مزه در تابستان است.

۴ـ جمع عبادت که به معنای پرستش خداوند است.

۵ـ ماه دوّم بهار است.

لطیفه

تصویرگر: بهاره زارع

ماشین

اوّلی: کجا می‌روی؟
دوّمی: می‌روم کارواش (ماشین شویی).
اوّلی: پس ماشینت کو؟
دوّمی: دو قدم راه که دیگر ماشین نمی‌خواهد.

گوسفند

به گوسفند می‌گویند: «بزرگ‌ترین آرزوی تو چیست؟»
جواب می‌دهد: «آرزوی من این است، دست کم یک بار هم که شده، جلوی وانت بنشینم.»

گوش پاکن کن

مردی گوشش را با سوئیچ ماشینش پاک می‌کرد، ناگهان گوشش قفل شد!!!

● تصویرگر: سیاوش ذوالفقاریان

حضرت علی(ع) کیست؟

حضرت علی(ع) فرزند چهارم مادرش و آخرین و کوچک‌ترین فرزند ابوطالب، عموی پیامبر بود.

حضرت محمد (ص) در زمانی که علی(ع) شیرخوار بود، بیشتر وقت خود را در خانه‌ی ابوطالب می‌گذراند. او به این کودک بسیار علاقه داشت. علی (ع) در گهواره هم با دیدن محمد (ص) لبخند می‌زد. هنگام خواب پیامبر (ص) در کنار گهواره‌ی او می‌نشست و آن را تکان می‌داد و در بیداری با او حرف می‌زد و در آغوشش می‌گرفت.

حضرت علی(ع) از سن شش سالگی به خانه‌ی پیامبر رفت و از رفتار و کارهای او درس گرفت. او همیشه سعی می‌کرد که مانند پیامبر رفتار کند. با دوستانش مهربانی می‌کرد و هرگز آن‌ها را آزار نمی‌داد.

اگر کسی او را آزار می‌داد، گذشت می‌کرد و او را می‌بخشید. ولی در برابر زورگویان می‌ایستاد و مقاومت می‌کرد. به همه احترام می‌گذاشت و با ادب صحبت می‌کرد. به کارهای این امام بزرگ خوب فکر کن و سعی کن مثل او رفتار کنی.

نامه‌ای به پدر

آیا تا به حال نامه‌ای به پدرت نوشته‌ای؟ دلت می‌خواهد بدانی، بچّه‌های دیگر برای پدرشان چه می‌نویسند؟

کتاب نامه‌ای به پدر، داستان دختری به نام ریحانه است که در روستای دارتوت زندگی می‌کند. هر یک از هم کلاسی‌های او برای پدر خود نامه می‌نویسند، فقط ریحانه نمی‌خواهد این کار را انجام دهد.

اگر می‌خواهی دلیل این کار ریحانه را بفهمی، می‌توانی این کتاب را بخوانی و از داستان زیبای آن که نوشته آقای جمال‌الدین اکرمی است، لذّت ببری.

انتشارات شاهد این کتاب را با قیمت ۵۰۰ تومان به چاپ رسانده است.

مرکز پخش تهران: ۶۶۴۹۱۸۵۱ـ ۰۲۱

قم: ۷۸۳۰۳۴۰ ـ ۰۲۵۱

فرم اشتراک شاهد کودک

دوستان خوب و مهربان، فرم زیر را با کمک بزرگ‌ترها پر کنید و به نشانی ما بفرستید.
مبلغ اشتراک ششماهه ۱۵۰۰ تومان و مبلغ اشتراک یکساله ۳۰۰۰ تومان است.
مبلغ مورد نظر خود را به شماره حساب ۲۱۸۲۰۵۵۵ بانک تجارت شعبه میدان هفتم تیر به نام انتشارات شاهد واریز نمایید.
فیش واریزی را همراه با فرم تکمیل شده به نشانی مجله شاهد کودک ارسال نمایید.
نشانی: تهران، خیابان آیت ا... طالقانی، خیابان ملک الشعرای بهار شمالی، پلاک۳
صندوق پستی: ۱۹۱-۱۵۷۱۵، انتشارات شاهد

نام: ..... نام خانوادگی: ..... تاریخ تولد: .. / .. / ۱۳..
نشانی: .....
کد پستی: ..... تلفن: .....
مدت اشتراک: ۶ ماه یک سال

بچّه‌های مجلّه

بچّه‌های مجله
فرید جهانی
آرین سرایی
علیرضا شیخ‌ها
زهرا حاجی شیخی
جواد زاهدی
عرفان احمدپور
امیرحسین ایمانی

پریا نصیری
امیرحسین قریشی‌زاده
سارا اسفندیار جهرمی
یکتا ضیایی
صبا مقدم
عارفه جبروتیان
ام‌البنین نیرومند
علی نیرومند

ارشیا اباذریان
پرنیان همّتی
مصطفی مرادیان
بهاره خلجی
علی گل محمّدی
شمیم گل محمّدی

روز پدر مبارک

با استفاده از راهنمایی زیر، هر عدد را بارنگ مناسب آن رنگ‌آمیزی کن و سپس بگو این تصویر چیست؟

رنگ سبز=۳۵ رنگ نارنجی= ۳۴ رنگ قرمز=۳۳

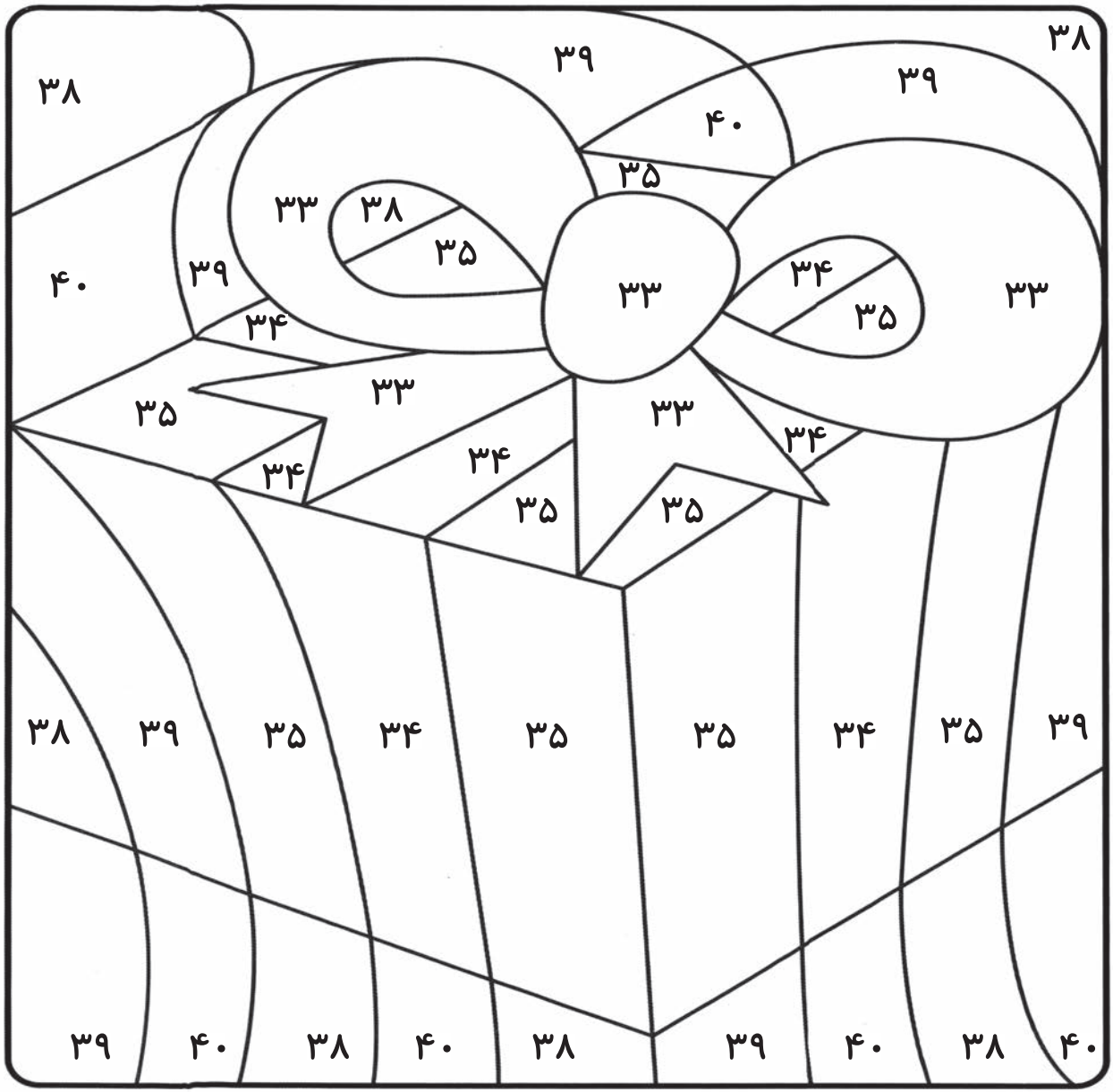

آدم برفی و دوستانش

شب بود. آدم برفی تنها بود. چه قدر دلش می‌خواست، که در این شب سرد کسی بیاید و او را از تنهایی در آورد. امّا همه در خانه‌های گرم خود مشغول استراحت بودند.
آدم برفی ناگهان صدایی شنید. راستی چه کسی به سراغ او آمده بود؟ درست است یک کودک مهربان؛ که یک شال گردن و یک کلاه پشمی برای آدم برفی آورده بود. حالا دیگر او تنها نبود. کلاه و شال دوستان او بودند. که او را از تنهایی در آوردند.

کیانا قاسمی‌فرد-۸ ساله از تهران

آثار بچّه‌ها

ملیکا صفائیان-کلاس اول- ابهر

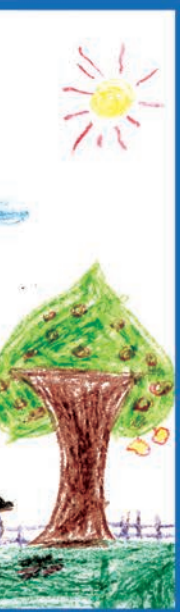

ملینا عقیلی
۸ساله-تهران

محمدسینا خوش‌نظر

عرفان ربیعی

یاسمن توانگر

سارا خوش‌نظر

فاطمه آسیا

آرین سرایی
۶ساله-تهران

سیده فاطمه حیدری
۶ساله-مشهد

مائده فرجیان-۷/۵ ساله از تسوج

سارا اسفندیار جهرمی-۷ساله-جهرم

کیمیا محمدنژاد
کلاس دوم-ساری

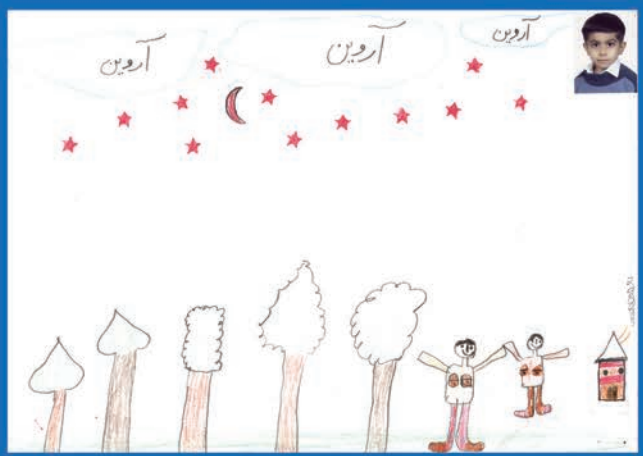

آروین بحرینی
۶ساله- اصفهان

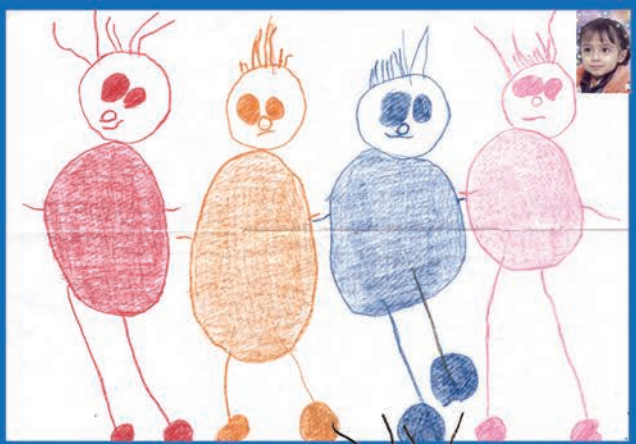

پریا نصیری-۳ساله-اردکان

سروش غفاری
۱۰ساله - تهران

عکس: حمید رضا همتی